



این شغل می‌آید، آن شغل می‌رود

ناپدید شدن شغل‌ها، تدریجی و نامحسوس است همان‌طور که پدیدار شدن‌شان؛ مثلاً یک روز ناگهان حواستان جمع می‌شود که خیلی وقت است پنبه‌زنی در خیابان ندیده‌اید.

جام جم آنلاین: ناپدید شدن شغل‌ها، تدریجی و نامحسوس است همان‌طور که پدیدار شدن‌شان؛ مثلاً یک روز ناگهان حواستان جمع می‌شود که خیلی وقت است پنبه‌زنی در خیابان ندیده‌اید.

کسی با جعبه‌ای چوبی دور گردنش فرفره نمی‌فروشد، آن چرخ فلک گردان‌های سرگردان هم دیگر نیستند که با صدایشان بچه‌ها را از خانه‌هایشان بیرون بکشند، زمانی با خبر می‌شوید که شغلی به نام دادزنی هم به وجود آمده که کار شاغلانش فقط فریاد زدن در خیابان برای تبلیغ کتاب است، برخی کارشان راه‌اندازی و نصب آکواریم‌های بزرگ در خانه‌های مجلل یا مدیریت باغ‌وحش‌های خصوصی آنهاست و برخی زندگی‌شان را با تکه‌تکه کردن خودروهای کهنه می‌گذرانند.

پیش از ما هم داستان همین بوده است مثلاً یک روز پدر بزرگ من، صبح که از خانه بیرون آمد تا برود و دو تا نان سنگک تنوری بگیرد و دندان‌ش زق زق کرد، یادش افتاد دیگر خبری از آن دندان‌کش‌های انبر به دست که پیش‌بندشان همیشه خونی و چرک بود نیست، یادش افتاد خیلی وقت است به حمام خانه‌اش می‌رود و دیگر کسی نیست که توی حمام عمومی، وقتی او کرخت از ریختن آب گرم روی تنش، روی زمین دراز کشیده، مشتش و مالش بدهد و انعام بگیرد و بعد از خودش پرسید چرا یادش نبوده که مدت‌هاست صدای آب‌حوض خالی‌کن‌ها، چینی‌بندزن‌ها، دوجی‌ها و آب‌زرشکی‌ها را از کوچه نشنیده است و پاتیلی‌های آش و چلو را دور میدان‌های بزرگ ندیده است و وقتی رسید جلوی نانوايي از خودش پرسید از کجای این راسته، پر از فروشنده‌گان رایانه شده است و بعد نانش را در روزنامه‌ای پیچید که روی آن خبرنگاری با مردی حرف زده بود که شغلش مزه‌مزه کردن غذا برای کارخانه‌های تولید مواد غذایی بود.

تولد یک شغل، تولد یک پروانه

انسان‌ها از کجای شغل شدند؟ آنها از همان زمانی که در غارها دور آتش حلقه می‌زدند و شعله‌هایش را تماشا می‌کردند صاحب شغل بودند. پیشه آنها شکار رفتن بود و زندگی‌شان را از این راه می‌گذراندند.

سال‌ها گذشت تا آنها دامدار و کشاورز شدند اما پس از مدتی به نتیجه رسیدند که هیچ‌کس نمی‌تواند همه نیازهایش را خودش برآورده کند پس هرکس بر مهارتی خاص متمرکز شد و سپس برای تامین نیازهایش با دیگران مبادله کالا به کالا کرد.

انسان‌ها چندی بعد، در ازای ارائه کالا و خدمات پول دریافت کردند و به این ترتیب با پیچیده‌تر شدن انسان‌ها و افزایش دامنه نیازهایشان، شغل‌ها تنوع پیدا کرد و روزه‌روز بیشتر شد.

دکتر افسر افشار نادری، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه درباره چگونگی به وجود آمدن مشاغل نو معتقد است مهم‌ترین اصلی که باعث به وجود آمدن شغلی جدید می‌شود، نیاز مردم یک دوره زمانی به مهارتی برای ارائه خدمت یا کالایی ویژه است.

این عضو انجمن جامعه‌شناسی هم موافق است که پیشرفت تکنولوژی و تغییر در سیستم معیشتی و اجتماعی سبب شکل گرفتن شغل‌های مختلف در جامعه می‌شود و در این زمینه شغل مدیریت را مثال می‌زند که در گذشته وجود نداشته است، اما با صنعتی شدن جوامع و افزایش نیاز سازمان‌ها و دستگاه‌ها به سامان دادن امور و افزایش بهره‌وری کارکنانشان شغل مدیریت به وجود آمده است.

او درباره تغییر در نظام اقتصادی نیز دوره‌ای را مثال می‌زند که نظام روستایی و کشاورزی به شهرنشینی و سرمایه‌داری تغییر کرد و با تبدیل روستاها به شهرها، شغل‌های نوینی نیز متولد شد.

از گفته‌های افشار نادری می‌شود برداشت کرد همین حالا که این گزارش را می‌خوانید نیز جایی از دنیا، باز سببی از درختی افتاده است و صاحب‌نظران و اندیشمندان، سر رشته اکتشافات، نوآوری‌ها و اختراعات را در دست گرفته‌اند و همچنان مشغول بافتن هستند و همین موضوع سبب ساز به وجود آمدن شغل‌های جدید نیز می‌شود.

خداحافظ شغل قدیمی، یادت بخیر

شغل‌ها هم مانند آدم‌ها هستند. در هر لحظه که شغلی متولد می‌شود، شغلی هم در جایی از جهان می‌میرد. مرگ برخی شغل‌ها ناگزیر است؛ برای مثال آب‌حوض‌کشی شغلی مرده است چون کسی که شغلش این باشد میان این همه خانه‌های قوطی کبریتی چند مشتری پیدا نمی‌کند یا حالا که همه یاد گرفته‌اند خودشان با چرخ خیاطی پارگی لباس‌هایشان را رفو کنند دیگر نیازی به پینه‌دوز ندارند تا با پارچه‌ای رنگی، پارگی‌های لباس‌هایشان را وصله کند یا دیگر آنقدر مردم سرگرمی‌های متنوع دارند که حوصله تماشای زنجیر پاره‌کردن معرکه‌گیرها و کل‌کل‌کردن لوطی‌ها و عنتره‌هایشان را نداشته باشند.

افشار نادری در توصیف شغل‌هایی که منسوخ می‌شود؛ توضیح می‌دهد: در هر دوره زمانی مردم از برخی خدمات و کالاها بی‌نیاز می‌شوند و به این ترتیب شماری از مردم شغل‌شان را از دست می‌دهند. ماشین‌باز و صنعتی‌شدن اگرچه کارها را برای صاحبان صنایع آسان‌تر و تولید را بیشتر و سریع‌تر کرده است، اما ماشین‌ها جای انسان‌ها را گرفته‌اند.

برطرف‌شدن نیاز مردم از برخی خدمات و کالا تنها علت مرگ برخی مشاغل نیست. به گفته او در دوره ما که پست‌مدرن محسوب می‌شود هر کارخانه‌ای مستقیماً با مردم در ارتباط است، بنابراین اگر مشتری از کیفیت یا قیمت کالایی راضی نباشد آن را حذف می‌کنند، چرا که تنوع تولیدات بسیار زیاد است و آنها حق انتخاب دارند.

این استاد دانشگاه البته هشدار می‌دهد در یک جامعه سالم با مدیریت صحیح، وقتی به واسطه پیشرفت تکنولوژی شغلی بی‌کاربرد می‌شود مسئولان بلافاصله برای دوباره شاغل‌شدن قشری که بیکار شده است فکری می‌کنند و اجازه نمی‌دهند گروهی از مردم به واسطه بیکارشدن به طبقات پایین‌تری از نظر اقتصادی سقوط کنند.

مرگ سرنوشتی محتوم نیست

مرگ برای همه شغل‌ها سرانجامی ناگزیر نیست و چه‌بسا مرگ برخی از آنها تاسف‌برانگیز و نگران‌کننده باشد و باید برای حفظ‌شان فکری کرد. برای نمونه شغل‌های فرهنگی از جمله مشاغلی است که حتی اگر دیگر نیازی به آنها نباشد باید باقی بماند، چرا که نمادی از فرهنگ، هنر و تاریخ مردم یک کشور به حساب می‌آید.

به نظر تان این کابوس نیست روزی بیاید که دیگر کسی در کشورمان نتواند قلمزنی و مشبک کاری کند، دست‌های هنرمندی که باید خراطی و نازک کاری کنند، آرام بگیرد، میناکارها بیکار شوند و هیچ استادی پیدا نشود که بتواند کاشی‌های رویایی هفت رنگ بسازد یا با گچ، گل و مرغ بیافریند و زیبایی سقف و دیوارهای عمارت‌های باشکوه را با آیینه‌کاری چند برابر کند؟

انواع دیگری از مشاغل نیز وجود دارد که فرهنگی نیست، اما وجود آنها برای افزایش تولید ملی و کاهش واردات لازم است با این حال حمایت نکردن از این مشاغل نیز باعث شده است روی سراسیمه زوال بیفتد و شاید در سال‌های آینده دیگر خبری از آنها نباشد، مثال می‌خواهید؟

سری به شمال کشور بزنید، به آن شالیزارهای برنج که شبیه تکه‌های آیینی همه‌جا پخش شده است و تصویر ابرها و آسمان آبی را منعکس می‌کند، نگاه کنید. شمار این شالیزارها روزگاری بسیار بیشتر از آنچه امروز می‌بینید بود، ویلاها اما حق نشاءهای برنج را خوردند و هرچه بزرگ‌تر شدند و بیشتر قد کشیدند، شالیزارها کوچک‌تر شدند و بیشتر آب رفتند و بوی کته داغ و تازه که غروب‌ها از کلبه‌های مه گرفته روی تپه‌های سبز می‌پیچید کمتر شد و به مرور زمان بازار فروش انواع برنج‌های بی‌کیفیت و ناسالم خارجی در بازار رونق گرفت.

حالا سال‌هاست خیلی از شالیکارهای سابق، سراغ شغل‌های دیگری رفته‌اند که برخی از آنها کاذب محسوب می‌شود و خبری از تولید در آن نیست و بعید نیست روزی برسد که فرزندانمان فقط در کتاب‌های درسی تصویر شالیکاری و مشاغلی از این دست را ببینند و آن وقت در حسرت نداشتنشان آه بکشند.

مریم یوشی‌زاده / گروه جامعه